

# حضرت زهرا (س)

۱۵

## امام مهدی (عج)

(۲)

علی مصلحی

### اشاره

در قسمت اول این مقاله (در فصل نامه شماره ۷) برخی شباهت‌های حضرت زهرا (س) و امام مهدی (س) آورده شد. در این نوشتار، علاوه بر ذکر موارد مشترک دیگر، به ارتباط‌هایی که در امور معنوی و عبادی بین آن دو بزرگوار وجود دارد می‌پردازیم. انبیاء و اقرار به ولایت، توسل به آن دو، توجه خاص امام زمان (عج) به مادر و سلاله او، میراث ما در نزد فرزندان، اندوه بر مصایب فاطمی و...، دیگر مباحث این نوشتار را تشکیل می‌دهد.

## مقدمه

در فصل نامه شماره ۷، درباره ارتباط میان حضرت زهرا(س) و حضرت مهدی(عج) و همانندی های آن دو بزرگوار، مطالبی را که از قرآن و روایات استفاده می شد آوردیم و به هیجده مورد از آن ها اشاره کردیم. در این شماره، ادامه آن را پی می گیریم و به برخی دیگر از موارد اشاره خواهیم کرد.

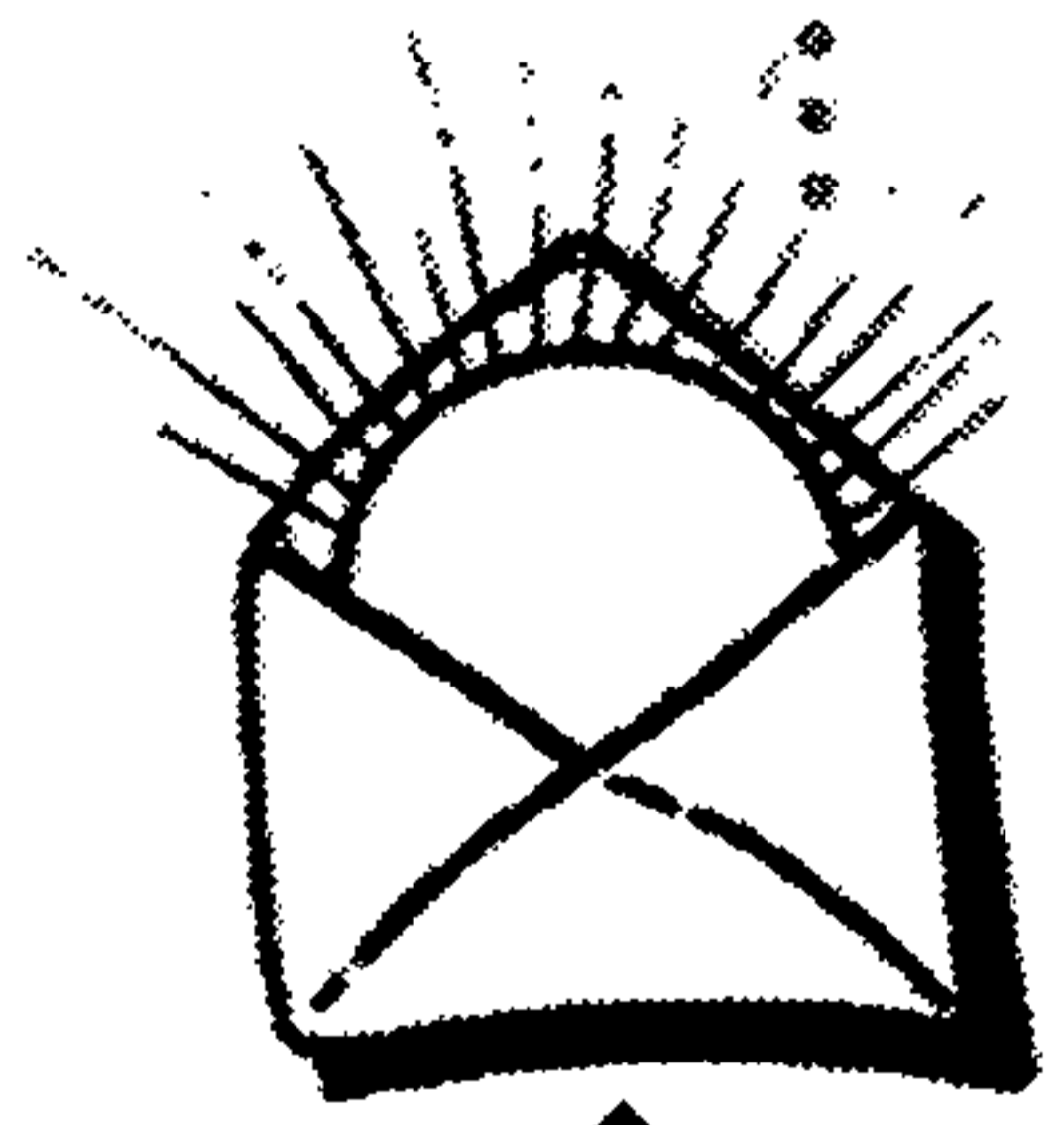
## ۱۹. حضرت زهرا(س) نور اهل آسمان و حضرت مهدی(عج) نور اهل زمین است

(الف) حضرت زهرا(س) نور اهل آسمان است

در بخشی از یک حدیث طولانی و زیبا، پیامبر اکرم(ص) فرمود:

ثم أظلمت المشارق و المغرب، فشكت الملائكة الى الله تعالى أن يكشف عنهم تلك الظلمة. فتكلم الله جلّ جلاله كلمة فخلق منها روحاً ثم تكلم بكلمة فخلق من تلك الكلمة نوراً، فأضاءت النور الى تلك الروح و أقامها مقام العرش فزهرت المشارق و المغرب فهي فاطمة الزهراء و لذلك سميت الزهراء لأن نورها زهرت به السماوات.<sup>۱</sup>

سپس ظلمت و تاریکی همه جا را فرا گرفت. ملائکه به خدا شکایت کردند: «خدایا! این تاریکی را از ما برطرف کن». پس خداوند، کلمه ای فرمود. از آن کلمه، روحی را خلق کرد. سپس کلمه ای فرمود. از آن کلمه هم، نوری خلق کرد. آن نور، روشنایی داد (و اضافه شد) به آن روح. خداوند، او را در جایگاه عرش جا داد. پس همه جا روشن شد. آن، حضرت فاطمه زهرا(س) است. به همین دلیل، «فاطمه» را «زهرا» نامیدند؛ چون به واسطه نور او، آسمان ها روشن شد.



ب) حضرت مهدی (عج) نور اهل زمین است

مفضل بن عمر می گوید:

از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: «رب الأرض» در آیه «وأشرق الأرض بنور ربها»<sup>۱</sup> یعنی امام الارض «مراد امام زمین است.» پرسیدم: «وقتی حضرت خروج کند چه می شود؟»

فرمود: «در آن روز، مردم، از نور خورشید و ماه، بی نیاز می شوند و به نور امام (ع) اکتفا می کنند.»<sup>۲</sup>

مراد از «امام» در این روایت، یقیناً حضرت مهدی (عج) است؛ زیرا اولاً: در خود روایت می گوید: «وقتی قیام کند، چه اتفاقی می افتد؟». ثانیاً، هیچ زمانی این گونه نبوده و فقط در زمان آن حضرت، مردم از نور خورشید و ماه بی نیاز می شوند.<sup>۳</sup>

دلیل این مطلبه روایتی است که باز خود مفضل بن عمر از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود:

إذا قائمنا قام، أشرق الأرض بنور ربها واستغنى العباد عن ضوء الشمس و  
ذهبت الظلمة....<sup>۴</sup>

وقتی قائم ما قیام کند، زمین، به نور پروردگارش روشن می شود و مردم، از نور خورشید بی نیاز می شوند و ظلمت به طور کلی از بین می رود.

۲۰. حضرت زهرا (س) خیرة الأحرار و سيدة النساء، مادر حضرت مهدی (عج) خیرة  
الائمة و سيدة الاماء است

جابر جعفی می گوید:

از امام باقر (ع) شنیدم که فرمود: عمر بن خطاب به امیرالمؤمنین (ع) عرض کرد: «اسم مهدی (ع) چیست؟». حضرت فرمود: «رسول خدا (ص) از من تعهد گرفتند که نام او را بیان نکنم تا خداوند، به او، اجازه قیام بدهد.»

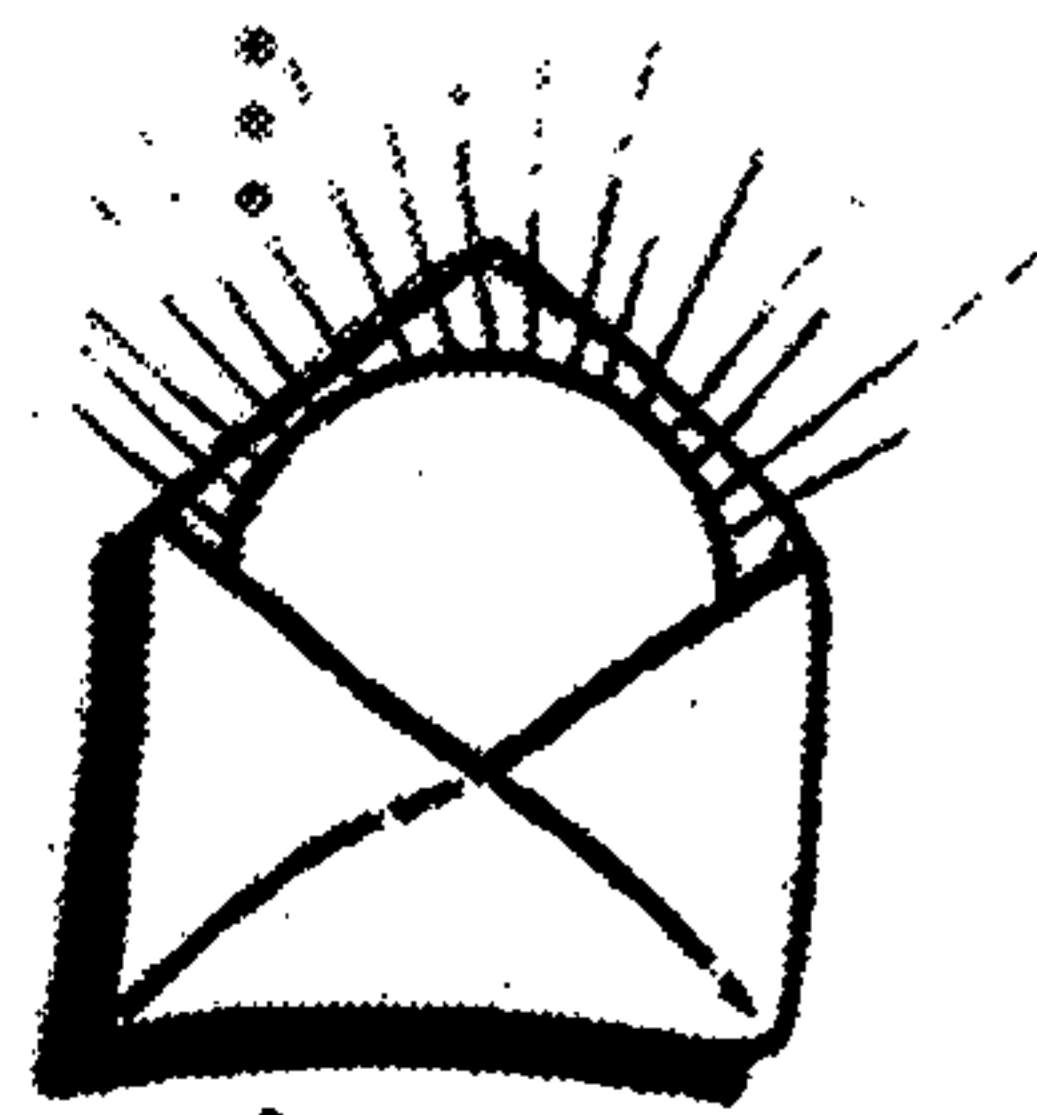
عمر گفت: «پس او صاف او را بگو». حضرت فرمود: «او، جوانی است میانه، صورتش بسیار زیبا، با موهای زیبایی که بر شانه هایش می رسد و نور صورتش بر سیاهی محاسن و موهای سرش غلبه دارد.»

آن گاه حضرت فرمود: «پدرم فدای فرزند بهترین کنیزان».<sup>۵</sup>

عبدالرحیم قیصر می گوید:

به امام باقر (ع) عرض کردم: «این جمله امیرمؤمنان (ع): «بأبي ابن خيرة الاماء أيا منظور، فاطمه است؟» حضرت فرمود: «همانا فاطمه بهترین و برگزیده زنان آزاده است.»<sup>۶</sup>

امام کاظم (ع) در ضمن بیان خصوصیات حضرت مهدی (عج) می فرماید: «ذلک ابن سيدة



الاماء الذی یخفی علی الناس ولادته...<sup>۸</sup>؛ آن، فرزند سرور کنیزان است که تولدش بر مردم مخفی می ماند».

امام صادق (ع) با معرفی حضرت مهدی (عج) می فرماید:

هو الخامس من ولد ابني موسى ذلک ابن سيدة الاماء...<sup>۹</sup>

او، پنجمین امام پس از پسر موهی کاظم است. او، فرزند سرور کنیزان است.

بنابر آن چه گفتیم، حضرت زهرا (س) خیره الأحرار و حضرت نرجس خاتون (س) خیره الاماء و سیده الاماء است.

۲۱. سخن گفتن حضرت زهرا (س) و حضرت مهدی (عج) هر دو در شکم مادر

الف) حضرت زهرا (س) با مادر سخن می گوید:

امام صادق (ع) می فرماید:

«وقتی حضرت خدیجه (س) با پیامبر (ص) ازدواج کرد، زنان مکه از او کناره گیری

کردند، (و او تنها شد) تا این که به حضرت زهرا (س) باردار شد. در آن زمان بود که

فاطمه، با او سخن می گفت و از او می خواست که صبر کند.<sup>۱۰</sup>

ب) سخن گفتن حضرت مهدی (عج) در شکم مادر:

حضرت حکیمه خاتون، وقتی قضیه شب تولد را نقل می کند، می گوید:

امام عسکری (ع) فرمود: «سوره قدر را بر نرجس خاتون بخوان.» شروع کردم به

خواندن سوره قدر. پس آن طفل، در شکم نرجس خاتون، با من همراهی می کرد و

می خواند آن چه من می خواندم و بر من سلامی کرد. من ترسیدم.

امام، صدازد: «ای عمه! از قدرت الهی تعجب نکن، که حق تعالی کودکان ما را به

حکمت گویا می گرداند و ما را در بزرگی، در زمین، حجت خود می گرداند.»<sup>۱۱</sup>

۲۲. حضرت زهرا (س) و حضرت مهدی (عج) شفیع مؤمنان در قیامتند

الف) حضرت زهرا (س) شفیع روز قیامت است:

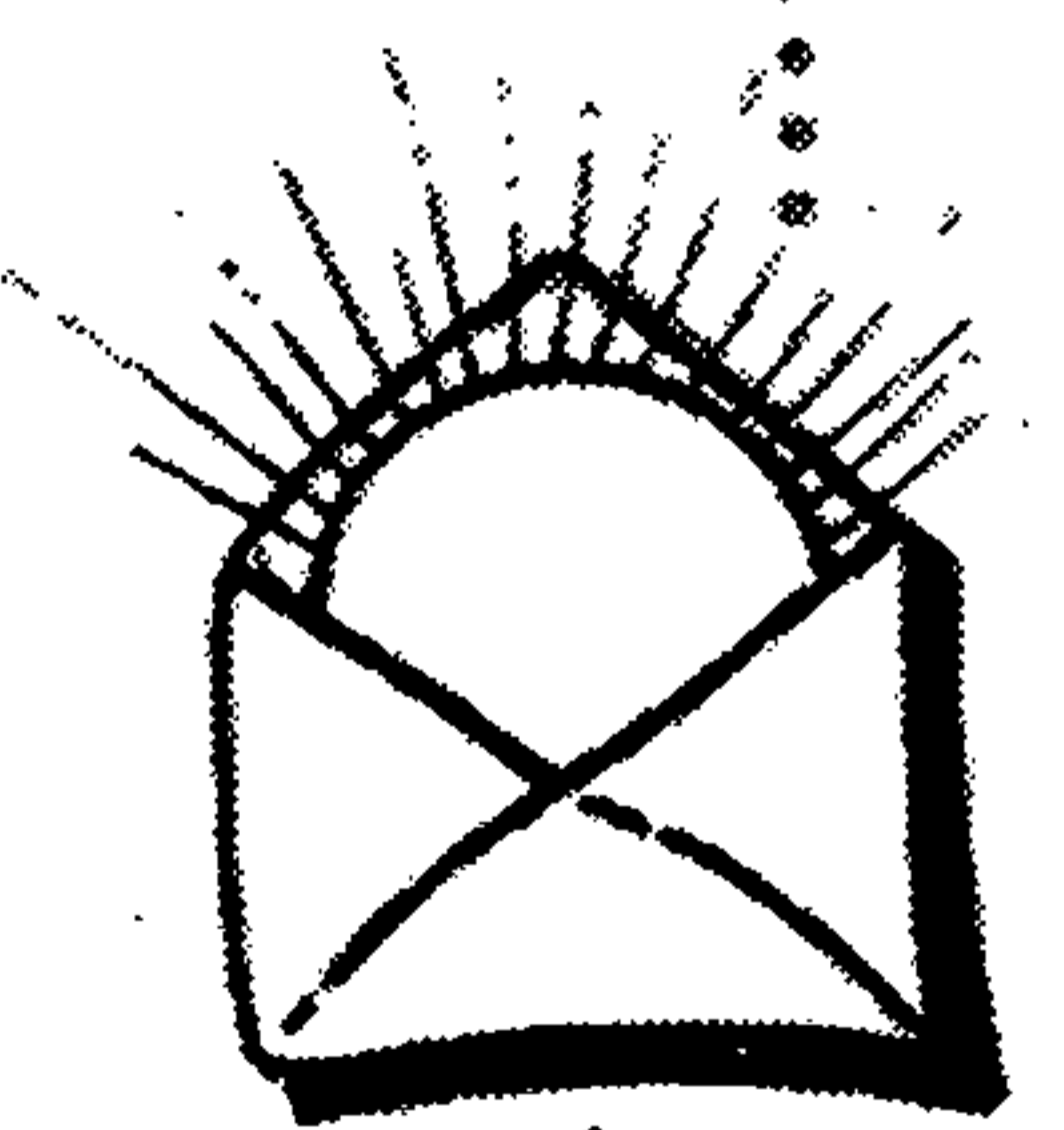
روایات دلالت کننده بر مقام شفاعت زهرا (س) متعدد هستند.<sup>۱۲</sup> در این جا، به برخی از

آن ها اشاره می شود.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

ای فاطمه! بشارت باد بر تو! نزد خداوند مقام محمودی داری. در آن مقام، برای

دوستان و شیعیان خودت، شفاعت می کنی و شفاعت تو پذیرفته می شود.<sup>۱۳</sup>



بلال بن حمامه می گوید:

یک روز پیامبر اکرم (ص) بر ما وارد شد در حالی که نور صورتش مثل ماه درخشان بود و خوش حال بود. عبدالرحمان بن عوف عرض کرد: «ای رسول خدا! این نور چیست؟! فرمود: «از طرف خداوند، بشارتی در مورد برادرم و پسر عمویم (علی «ع» و دخترم آمد که به واسطه آن دو، مردان و زنان امت از آتش جهنم نجات پیدا می کنند.»<sup>۱۴</sup>

امیر مؤمنان (ع) خطاب به امام حسن و امام حسین (ع) فرمود: «شما، پیشوا هستید و شفاعت برای مادر شماست.»<sup>۱۵</sup>

(ب) حضرت مهدی (عج) هم شفیع روز قیامت است:

در حدیثی، امیر مؤمنان علی (ع) و جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا (ص) نقل می کنند که پیامبر (ص) مقامات ائمه (ع) را در روز قیامت بیان فرمود. مقام حضرت مهدی (عج) را این گونه بیان می فرماید: امام مهدی (عج)، شفیع مؤمنان در روز قیامت است؛ چرا که اذن شفاعت، از طرف خداوند داده نمی شود مگر به کسی که خداوند بخواهد و به آن راضی باشد.<sup>۱۶</sup>

## ۲۳. مظلومیت حضرت زهرا (س) و حضرت مهدی (عج)

(الف) ستم دیدگی حضرت زهرا (س):

در زیارت آن حضرت می خوانیم: «السلام علیک أيتها المعصومة المظلومة»<sup>۱۷</sup>؛ سلام بر تو ای پاک ستم دیده».

و «اللهم صل... و صلّ علی البتول... المظلومة المقهورة».<sup>۱۸</sup>

امیر مؤمنان علی (ع) در ترسیم مظلومیت همسرش می فرماید:

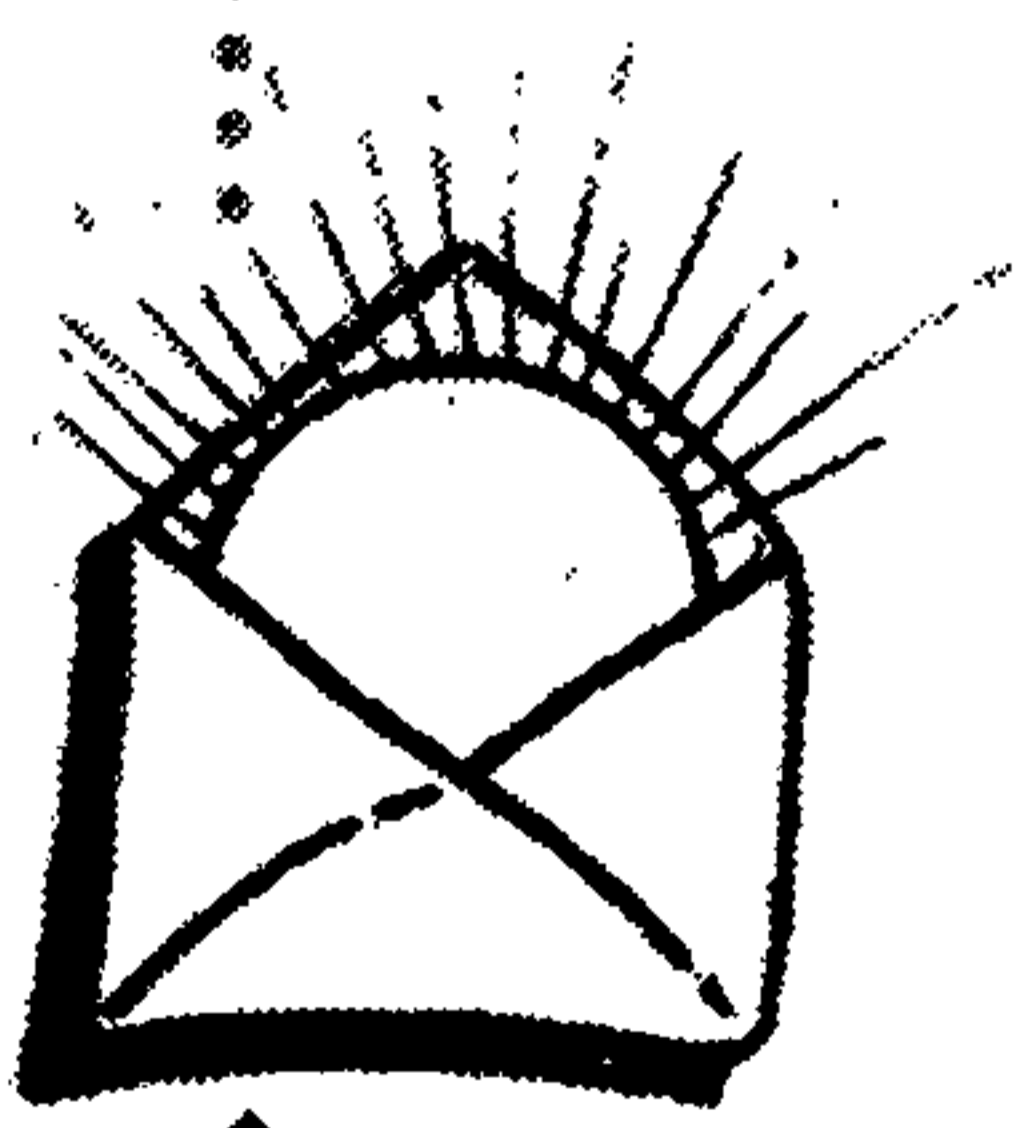
ان فاطمة بنت رسول الله (ص) لم تزل مظلومة، من حقها ممنوعة...<sup>۱۹</sup>

فاطمه، دختر پیامبر خدا (ص)، همواره ستم دیده بوده و از حق خود محروم شد.

(ب) او (عج) ستم دیده است:

امیر مؤمنان علی (ع) در ترسیم مظلومیت و غربت فرزندش مهدی (عج) می فرماید: «صاحب هذا الأمر الشريد الطريد الفريد الوحيد؛ صاحب این امر، همان رانده شده دور شده یگانه و تنها است.»<sup>۲۰</sup>

در حدیث دیگری حضرت علی (ع) تصریح می کند به این که او غریب است:



سَيَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ وَيَمْلِكُ مَنْ هُوَ بَيْنَهُمْ غَرِيبٌ...<sup>۲۱</sup>  
 خداوند، گروهی را می آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست می دارند و کسی  
 که در میان آنان غریب است، بر آنان حکومت می کند.

امام کاظم(ع) می فرماید: «هو الطريد الوحيد الغريب؛ او، همان رانده شده یکه و تنهای  
 غریب است».<sup>۲۲</sup>

حضرت، به حدی مظلوم است که امام باقر(ع) می فرماید: «اگر او را می شناختند، او را  
 تکه تکه می کردند».<sup>۲۳</sup>

همانند اذیت و آزارهایی که بر پیامبر(ص) پیش آمد، بر ایشان نیز وارد می آید و بلکه  
 بیش تر.<sup>۲۴</sup>

باز در بیان مظلومیت ایشان چنین آمده است که وقتی بر منبر کوفه می نشیند و عهدنامه  
 پیامبر(ص) را می خواند، تمام افراد از اطراف او می گریزند و تنها وزیر او و یازده نفر نقیب باقی  
 می ماند؛ هر چند آنان باز می گردند.<sup>۲۵</sup>

آه از این مظلومیت! چه قدر این مظلومیت سوزناک و جان کاه است که: حضرت زهرا(س)  
 خود و فرزندش را مظلوم معرفی می کند.  
 مرحوم میرجهانی می گفت:

در عالم رؤیا، مادر مظلوم حضرت فاطمه صدیقه(س) را دیدم و ایشان سه بیت شعر  
 فارسی خواند، وقتی بیدار شدم فقط یک بیت را به یاد داشتم و آن بیت این گونه  
 است:

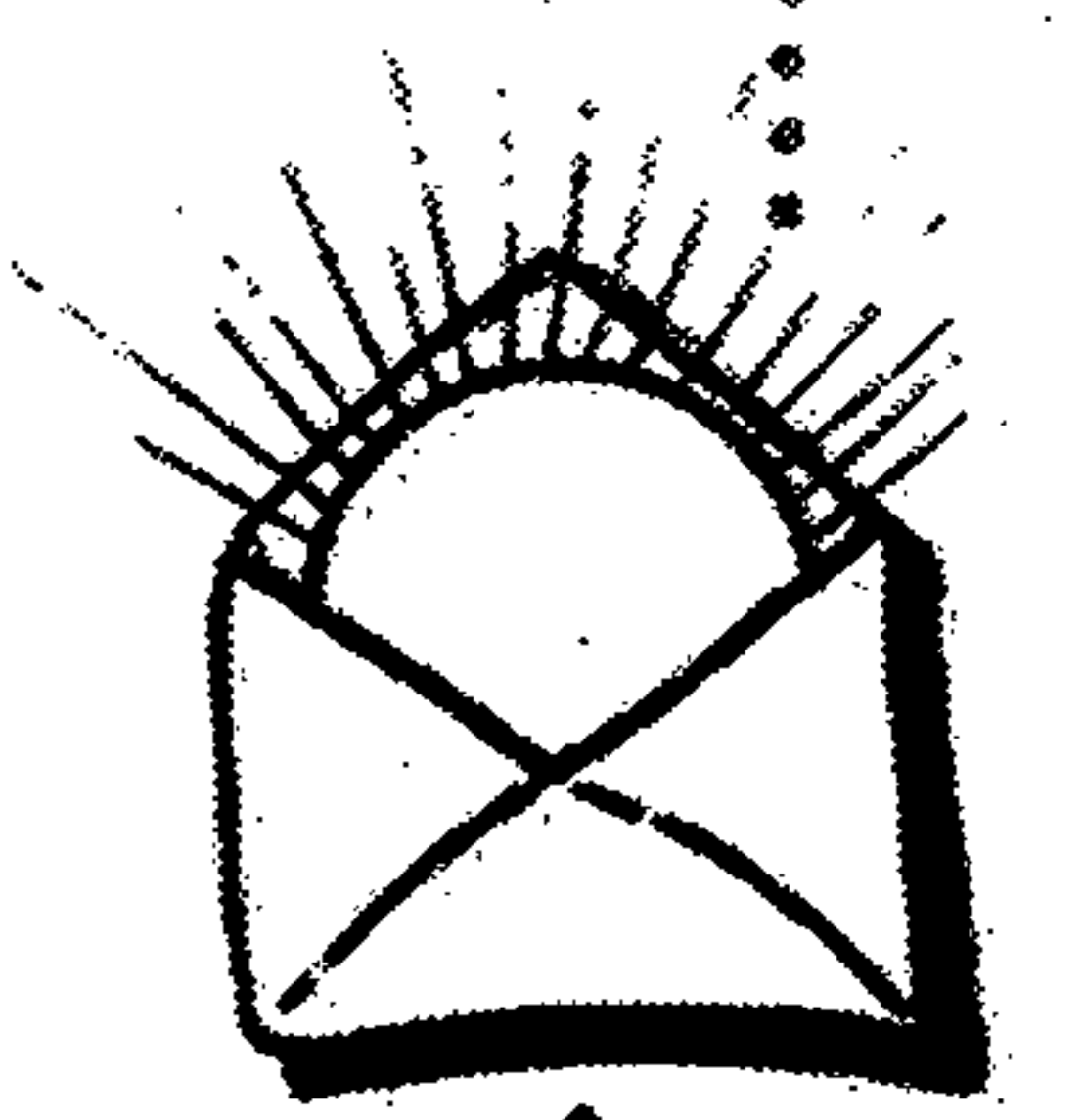
دلی شکسته تر از من در آن زمانه نبود

در این زمان دل فرزند من شکسته تر است<sup>۲۶</sup>

و بالأخره خود حضرت مهدی(عج) خود را مظلوم ترین فرد عالم معرفی می کند.  
 حجة الاسلام حاج سید اسماعیل شرفی می گوید:

به عتبات مقدسه مشرف شده بودم و در حرم مطهر حضرت سید الشهداء(ع) مشغول  
 زیارت بودم. چون دعای زائرین در قسمت بالا سر حرم مطهر امام حسین(ع)  
 مستجاب است، در آن جا از خداوند خواستم مرا به محضر مبارک مولایم حضرت  
 مهدی، ارواحنا فداه، مشرف گرداند و دیدگانم را به جمال بی مثال آن بزرگوار روشن  
 کند.

مشغول زیارت بودم که ناگهان خورشید جهان تاب جمالش ظاهر شد. گرچه در آن



هنگام، حضرتش را شناختم، ولی شدیداً مجذوب آن بزرگوار شدم. پس از سلام، از ایشان پرسیدم: «شما کیستید؟». آقا فرمود: «من، مظلوم‌ترین فرد عالم هستم.»! من، متوجه نشدم و با خود گفتم: «شاید ایشان از علمای بزرگ نجف هستند و چون مردم به ایشان گرایش پیدا نکرده‌اند، خود را مظلوم‌ترین فرد عالم می‌دانند.» در این هنگام، ناگهان متوجه شدم که کسی در کنارم نیست. این جابود که فهمیدم، مظلوم‌ترین فرد عالم، کسی جز امام زمان، ارواحنا فدا، نیست و من نعمت حضور آن بزرگوار را زود از دست دادم.<sup>۲۷</sup>

بیایید با هم، این دو مظلوم را از مظلومیت بیرون بیاوریم.

### ۲۴. علاقة پیامبر (ص) به حضرت

زهرا (س) و حضرت مهدی (عج)

علاقة و محبت رسول خدا (ص) به حضرت زهرا (س) را در این نوشتار نمی‌توان بیان کرد و فقط به ذکر چند روایت بسنده می‌کنیم: حضرت رسول اکرم (ص) در حدیثی، خطاب به امیرمؤمنان (ع) فرمود:

سفارش‌هایی به دخترم فاطمه کردم و به او گفتم آن‌ها را به شما بگویند. آن‌ها را حتمی بدان؛ چرا که او شدیداً راستگو هست.

سپس پیامبر (ص) او را به نزدیک خود خواند و سر او را بوسید و فرمود: «ای فاطمه! پدرت، فدای تو باد»<sup>۲۸</sup> در حدیث دیگر فرمود: «پدر و مادرم فدای تو باد»<sup>۲۹</sup>

در زیارت حضرت زهرا (س) می‌خوانیم: «اللهم صلّ علی البتول... فاطمة بنت رسولک و بضعة لحمه و صمیم قلبه و فلذة کبدہ... و حبیبة المصطفی».<sup>۳۰</sup>

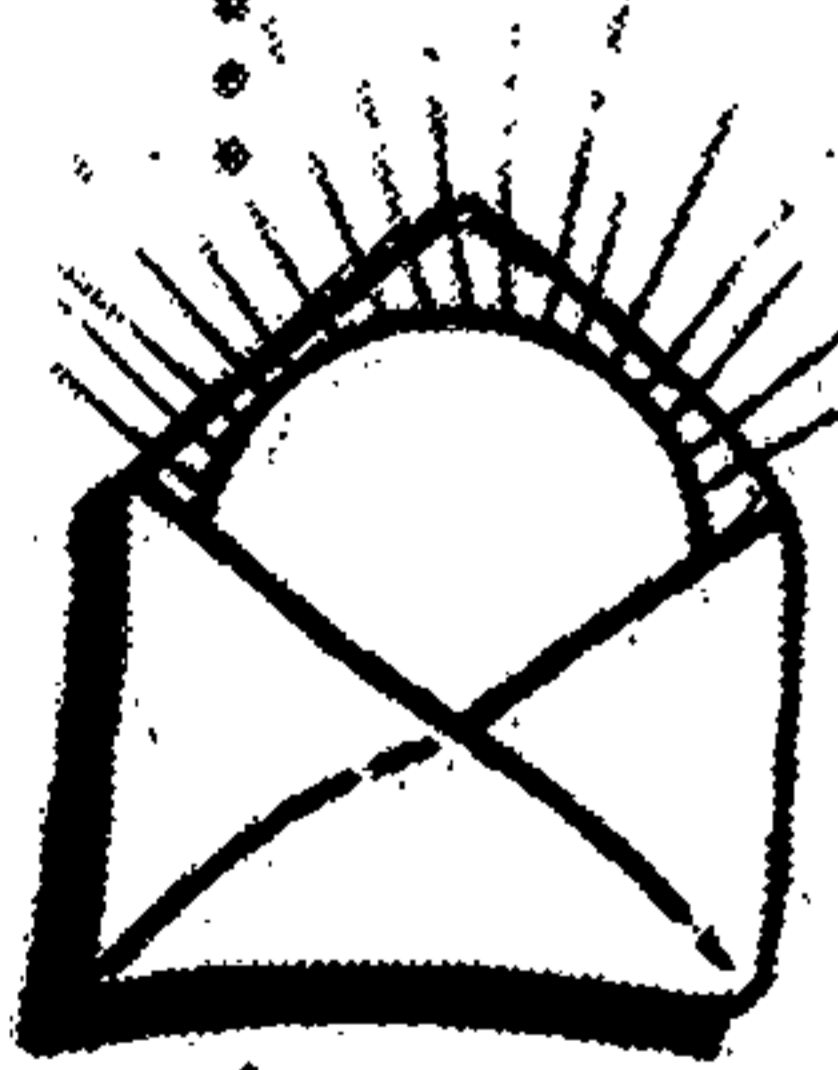
خدایا! درود فرست بر بتول فاطمه دختر

### ● حضرت، به حدی مظلوم است

که امام باقر (ع) می‌فرماید: «اگر او را می‌شناختند، او را تکه تکه می‌کردند.»

همانند اذیت و آزارهایی که بر پیامبر (ص) پیش آمد، بر ایشان نیز وارد می‌آید و بلکه بیش‌تر. باز در بیان مظلومیت ایشان چنین آمده است که وقتی بر منبر کوفه می‌نشیند و عهدنامه پیامبر (ص) را می‌خواند، تمام افراد از اطراف او می‌گریزند و تنها وزیر او و یازده نفر نقیب باقی می‌مانند؛ هر چند آنان باز می‌گردند.

آه از این مظلومیت! چه قدر این مظلومیت سوزناک و جان‌کاه است که: حضرت زهرا (س) خود و فرزندش را مظلوم معرفی می‌کند.



رسول خودت و پاره تن او و سویدای دل او و پاره جگر او و محبوبه مصطفی.

علاقة پیامبر (ص) به حضرت مهدی (عج)

پیامبر (ص) با معرفی حضرت مهدی (عج) می فرماید:

بأبي و أمي سمِّي و شبيهي و شبيه موسى بن عمران، عليه جُوبُ النُّورِ يَتَوَقَّدُ  
من شُعاعِ القُدسِ. ۳۱

پدر و مادرم به فدای او باد! هم نام من است و شبیه من و حضرت موسی است. هاله‌ای از نور گرداگرد او را فرا گرفته. اشعه انوار قدسی از او ساطع است.

ای گل محبوب خاتم، با خدا همراه و محرم

بادلی سوزان ماتم، بهر مادر گشته پرغم

سوزد از هجر تو عالم، ای گل زهرا کجایی؟

بیای زاده زهرا، تویی نور دل طه ۳۲

پیامبر اکرم (ص) در حدیثی دیگر می فرماید:

طوبى لمن لقيه و طوبى لمن أحبه و طوبى لمن قال به. ۳۳

خوشابه حال کسی که او را ملاقات کند، خوشابه حال کسی که او را دوست بدارد و خوشا به حال کسی که به او معتقد باشد!

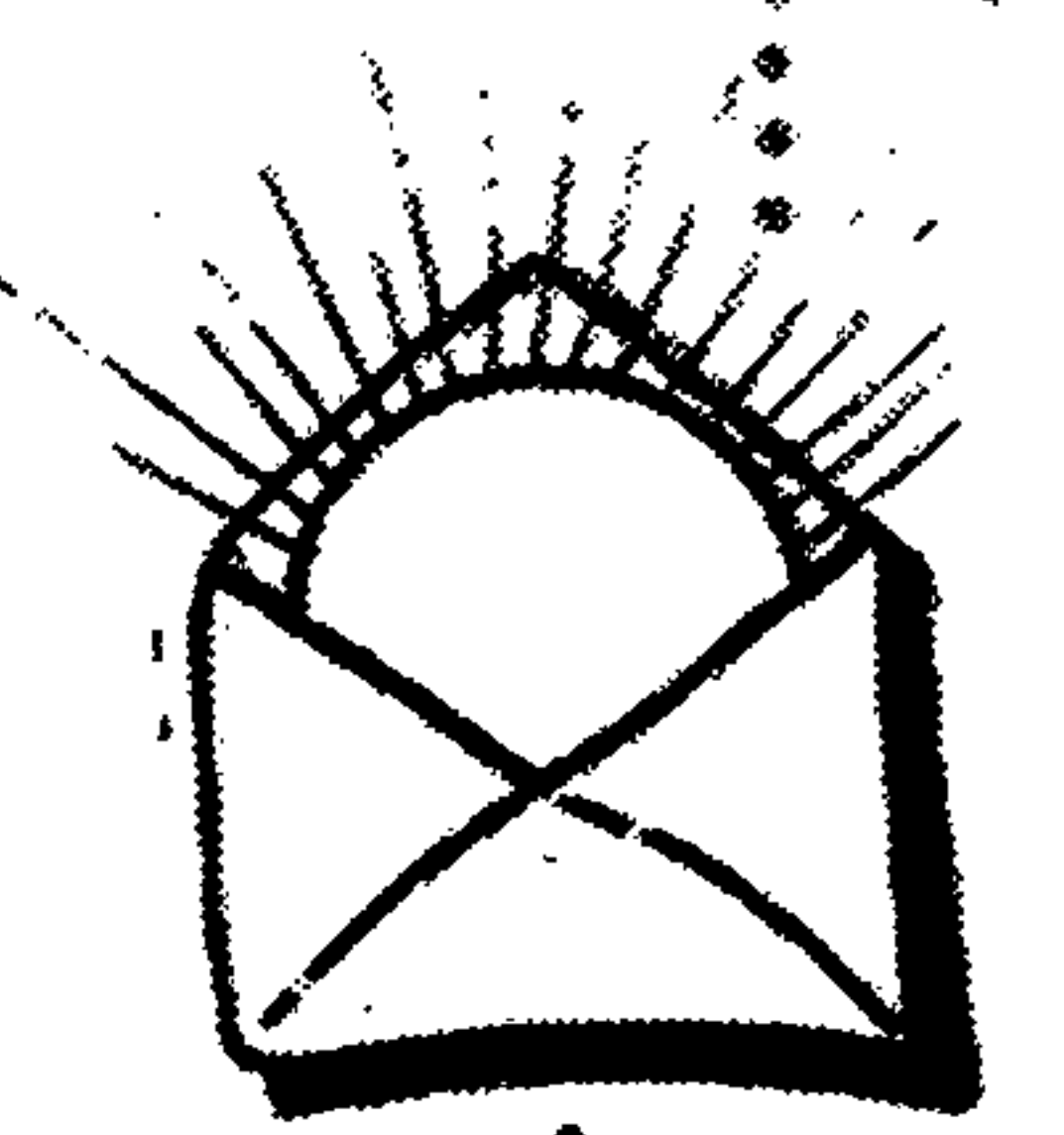
آن قدر او محبوب پیامبر (ص) است که در دعای عهد بعد از دعاهاى متعدد برای وجود مقدس او و برای فرجش، می خوانیم: «اللَّهُمَّ و سُرْنِيكَ مُحَمَّدًا بِرُؤْيَتِهِ؛ خدایا! خوش حال کن پیامبرت محمد را به واسطه دیدار وجود مقدس حضرت مهدی». ۳۴

عبدالله بن عمر نقل می کند: پیامبر (ص) فرمود:

خداوند در شب معراج، به من فرمود: «چه کسی زادر زمین بر امتات جانشین کرده‌ای؟» عرض کردم: «برادرم را». فرمود: «علی ابن ابی طالب (ع) را؟» عرض کردم: «بلی». فرمود: «نظری بر زمین کردم، پس تو را انتخاب کردم... نظر دیگری کردم و علی (ع) را انتخاب کردم و او را وصی تو قرار دادم...»

ای محمد! علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه را از یک نور خلق کردم. سپس ولایت آنان را بر ملائکه عرضه داشتم. هر کس آن را پذیرفت، از مقربان شد و هر کس آن را رد کرد، به کافران پیوست.

ای محمد! اگر بنده‌ای، مرا چندان پرستش کند تا رشته حیاتش از هم بگسلد، ولی در حالی که منکر ولایت آنان است، بامن روبه رو شود، او را در آتش دوزخ خواهم افکند. ای محمد! آیا می‌دانی آنان را ببینی؟» عرض کردم: «بلی». فرمود: «قدمی پیش گذار!»



من، قدمی جلو نهادم، ناگاه دیدم، علی ابن ابی طالب و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت قائم را که در میان آنان، همانند ستاره‌ای درخشان (کوکب دری) بود. گفتم: «اینان چه کسانی اند؟» گفت: «اینان، امامان هستند و این ایستاده (قائم)، کسی است که حلال مرا حلال می‌کند و حرام مرا حرام و از دشمنان من انتقام خواهد گرفت. ای محمد! او را دوست بدار؛ چرا که من او را دوست می‌دارم و هر کس او را دوست بدارد نیز دوست دارم.»<sup>۳۵</sup>

## ۲۵- عنایت هر دو (ع) به زائران حسین (ع)

الف) عنایت حضرت زهرا (س) به زائران حسین (ع):

یکی از ویژگی‌های حضرت زهرا (س) این است که به زائران فرزند شهیدش امام حسین (ع) عنایت ویژه‌ای دارد. هنگامی که آنان به زیارت امام حسین (ع) می‌روند، حضرت زهرا (س) حاضر می‌شود و برای آنان طلب آمرزش و دعا می‌کند.

روایات متعددی بر این مطلب دلالت می‌کند. برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

۱. امام صادق (ع) می‌فرماید:

ان فاطمة بنت محمد، تحضر لزوار قبر ابنها الحسين فتستغفر لهم ذنوبهم.<sup>۳۶</sup>  
حضرت فاطمه (س) دختر گرامی حضرت محمد (ص) برای زوار قبر فرزندش حضرت حسین (ع) حاضر می‌شود، سپس برای گناهان آنان طلب آمرزش می‌کند.

۲. امام صادق (ع) به معاویه بن وهب فرمود:

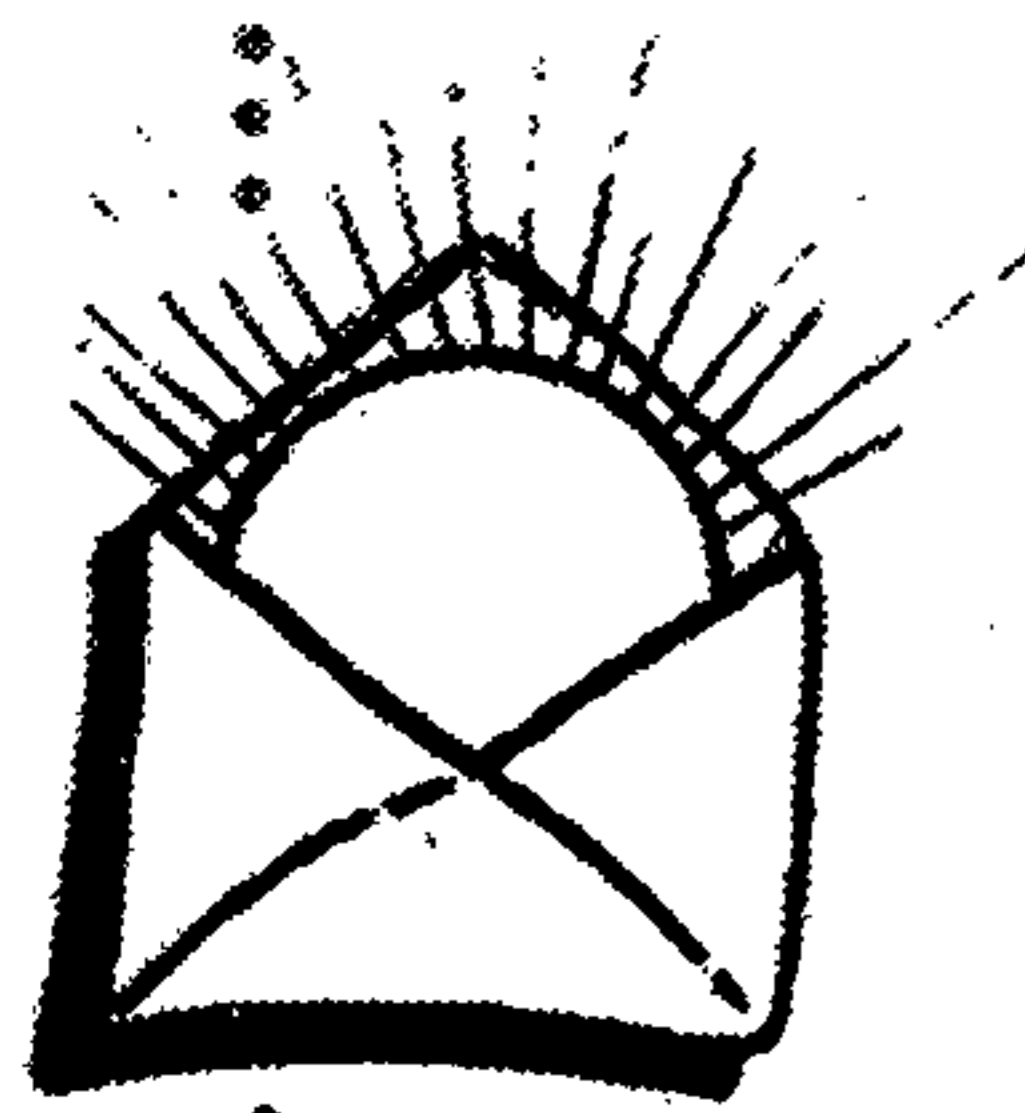
زیارت حسین (ع) را ترک مکن! آیا دوست داری که خدا، تو را در زمره کسانی ببیند که حضرت رسول و علی و فاطمه و ائمه (ع) در حقشان دعای کنند؟<sup>۳۷</sup>

۳. سلیمان اعمش می‌گوید:

در کوفه، شب جمعه‌ای نزد شیخی بودم. به او گفتم: درباره زیارت امام حسین (ع) چه می‌گویی؟ گفت: «بدعت است و هر بدعتی، گمراهی است و هر صاحب گمراهی در آتش است.» ناراحت شدم و رفتم.

نیمه‌های شب آمدم، در خانه او رازدم. همسرش گفت: «او به زیارت امام حسین (ع) رفته است.»

سلیمان می‌گوید: من هم به طرف حرم امام حسین (ع) رفتم. وقتی داخل حرم شریف شدم، دیدم شیخ در حالی که به سجده افتاده، گریه و ناله می‌کند و از خداوند طلب



مغفرت و توبه می کند. بعد از مدتی طولانی سرش را بلند کرد. گفتم: «ای شیخ! دیروز آن جمله را گفتی، پس الان چه گونه به زیارتش آمدم؟» گفت: ای سلیمان! مرا سرزنش نکن! دیشب، در خواب... شتری از نور دیدم که کجاوه‌ای از نور، بر روی آن شتر بود و داخل آن دو خانم بودند. گفتم: «این دو خانم بزرگوار کی اند؟» گفت: «یکی، حضرت خدیجه (س) و دیگری حضرت سیده النساء فاطمه زهرا (س) است.» گفتم: «این جمع به کجای می روند؟» گفت: «به زیارت حسین که در کربلا از روی ظلم شهید شد، می روند.»

به آن هودج نگاه کردم. دیدم اوراقی از آن به پایین می ریزد. پرسیدم: «این اوراق مکتوب چیست؟» گفت: «در این ورق ها نوشته شده هر کس در شب جمعه، به زیارت قبر حسین (ع) بیاید، از آتش جهنم ایمن خواهد بود.»<sup>۳۸</sup>

گواه این قضیه، تشرّف حاج علی بغدادی است که سوالات بسیاری از امام زمان (عج) کرد. یکی از آن ها این بود:

منبری ها جریان سلیمان اعمش را می گویند. آیا این حدیث صحیح است؟ فرمود: «آری، راست و صحیح است.» گفتم: «سیدنا! صحیح است که می گویند: هر کس زیارت کند حسین (ع) را در شب جمعه، برای او امان است؟» فرمود: «آری، واللّه!» و اشک از چشمان مبارکش جاری شد و گریست.<sup>۳۹</sup>

**ب) عنایت حضرت مهدی (عج) به زائران حسین (ع):**

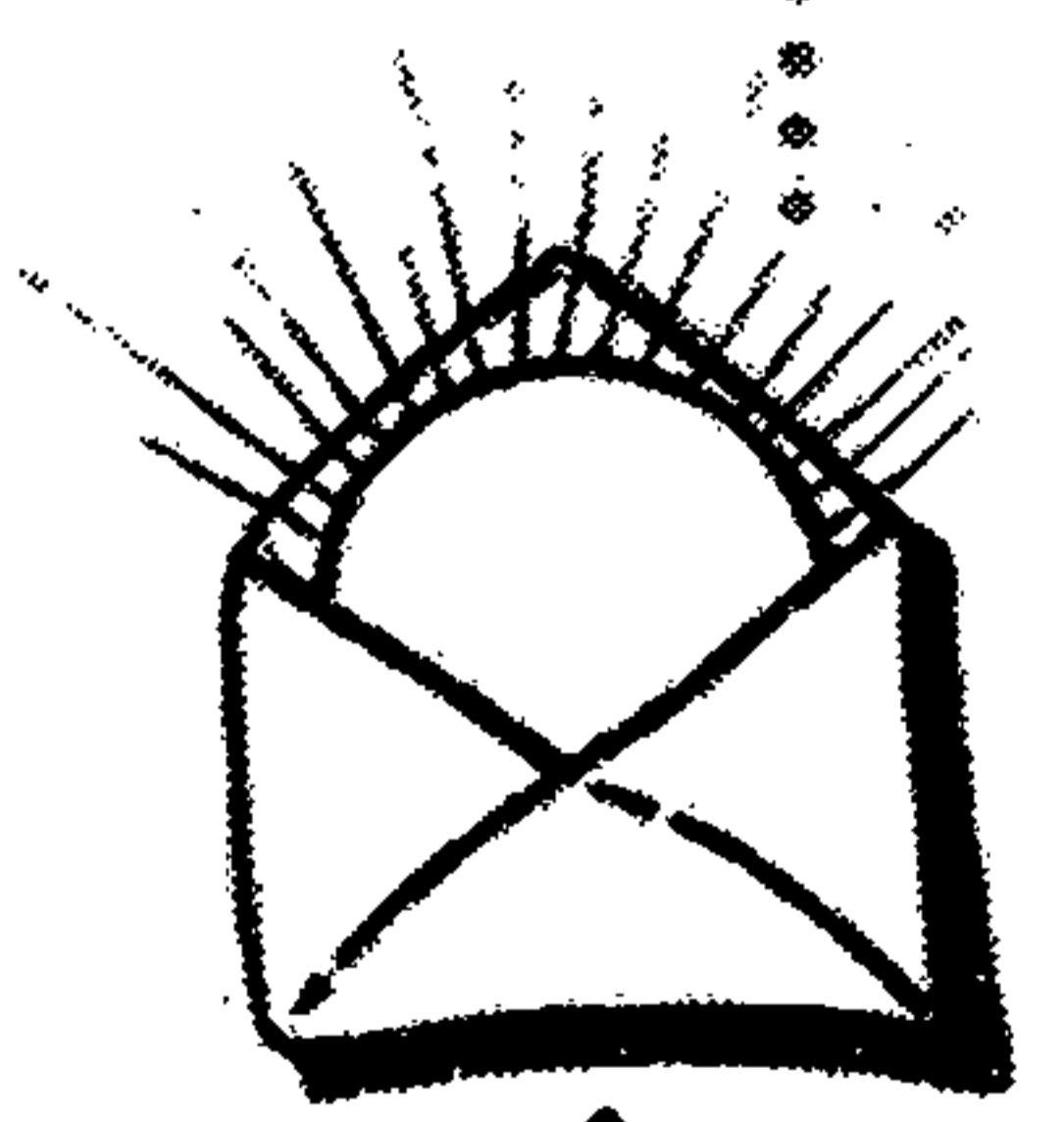
قضایای زیادی بر این مطلب دلالت دارد. یکی از آن ها، قضیه معروف جعفر نعل بند است که مرحوم نهبونندی آورده است.<sup>۴۰</sup>

**۲۶. بیعت کسی بر آن دو بزرگوار نیست و از کسی تقیه نمی کنند<sup>۴۱</sup>**

بیعت، پیمانی است که به موجب آن نتوان با ستمگران به نبرد برخاست و از روی ناچاری و تقیه باید حکومت آنان را به رسمیت شناخت. همه پیشوایان معصوم، به مقتضای حکمت الهی دچار چنین پیمانی بودند، اما بعضی از معصومان چنین بیعتی بر گردن نداشتند.

**الف) بیعت و تقیه نکردن حضرت زهرا (س):**

دشمنان، پس از غصب خلافت، سعی کردند از همه مردم، به ویژه صحابه خاص پیامبر اکرم (ص) خاصه خاندان رسالت (حضرت علی و حضرت زهرا (ع)) برای خود بیعت بگیرند تا افکار عمومی را به خود جلب کنند، ولی حضرت زهرا (س)، همه مصیبت ها را تحمل کرد و تا زنده بود، با غاصبان حکومت بیعت نکرد، بلکه برای بازگرداندن خلافت به مسیر اصلی اش، مبارزه نمود و حتی مانع بیعت حضرت علی (ع) شد.<sup>۴۲</sup>



ب) نبودن بیعت احدی از ستمگران بر گردن حضرت مهدی (عج) و تقیه نکردن آن حضرت: پیشوایان معصوم ما، اگر با کسی پیمان می‌بستند، (گرچه از روی مصلحت و تقیه)، به آن پای بند بودند. بهترین گواه، این است که امام حسین (ع) تا زمانی که معاویه زنده بود، به خاطر احترام به صلح برادرش قیام نکرد. حضرت مهدی (عج) به دلیل این که برای ریشه کن کردن ستم و ستمگران آفریده شده است و اگر ظاهر و آشکار بود، سکوتش به معنای رضا به ستمگری ستمگران و ترک نبرد با آنان بود (گرچه از روی تقیه) در پس پرده غیبت به سر می‌برد تا بیعت کسی بر گردنش نباشد. همین، یکی از علل غیبت آن حضرت شمرده شده است.

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

..... ان القائم منا اذا قام لم یکن لأحد فی عنقه بیعة فلذلک تخفی ولادته و تغیب شخصه.<sup>۴۳</sup>

هنگامی که قائم ما قیام کند، بیعت احدی بر گردن او نخواهد بود. از این رو، ولادت او مخفی می‌شود و از دیده‌ها پنهان می‌شود.

حضرت مهدی (عج) فرمود:

انه لم یکن لأحد من آبائی (ع) الا وقد وقعت فی عنقه بیعة لطاغیة زمانه و انی أخرج حین أخرج و لایبعة لأحد من الطواغیت فی عنقی.<sup>۴۴</sup>

بر گردن همه پدرانم، بیعت سرکشان زمانه بود، اما من وقتی خروج کنم، بیعت هیچ سرکشی بر گردنم نیست.

در زمان آن حضرت تقیه‌ای در کار نیست:

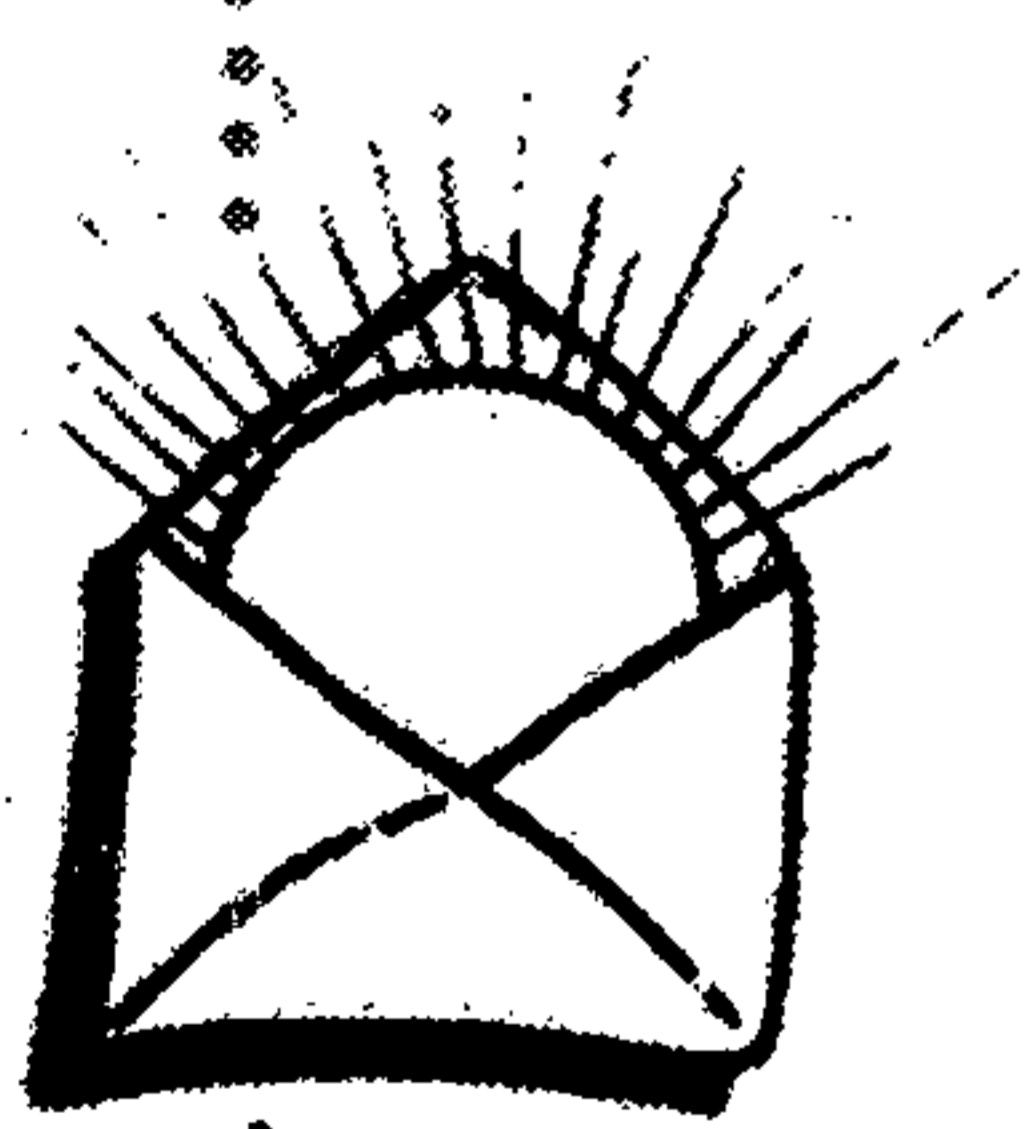
حضرت علی (ع) در تفسیر آیه شریفه (وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم<sup>۴۵</sup> ... فرمود:

در امن و امان مرا پیرستند، بدون هیچ ترس و واهمه‌ای و نیاز به تقیه احساس نکنند. این آیه، در حق قائم (عج) نازل شده است. منظور از «کسانی که ایمان آورده‌اند»، در این آیه، پیشوایان معصوم (ع) هستند.<sup>۴۶</sup>

۲۷. دوری هر دو از ستمگران

الف) دوری حضرت زهرا (س):

بعد از آن تلاشی که حضرت زهرا (س) برای هدایت مردم و برگرداندن ولایت به حضرت علی (ع) کرد، و مورد بی‌مهری و ستم قرار گرفت، از مردم فاصله گرفت و در خانه مشغول عزاداری و گریه بر فقدان پدر شد، اما این بار هم مورد بی‌لطفی قرار گرفت و جمعی از بزرگان



به حضور امیرالمؤمنین علی (ع) آمدند و عرض کردند:

فاطمه (س) شب و روز گریه می کند. شب از گریه آن حضرت خواب نداریم و روز برای ما آرامش نیست تا بتوانیم به امور معاش خود پردازیم. ما از تو تقاضا می کنیم که به آن حضرت بگویی، یا شب گریه کند و روز آرام باشد و یا روز گریه کند و شب آرام باشد. حضرت علی (ع) نزد فاطمه (س) رفت و او را هم چنان گریان دید. کمی که آرام گرفت، به او فرمود: «از من تقاضا کردند که شما، یا شب گریه کنی یا روز». فاطمه (س) گفت: «من به زودی از میان آنان می روم. دست از گریه ام بر نمی دارم تا به پدرم ملحق شوم». سپس حضرت علی (ع) برای فاطمه (س) سرپناهی به نام «بیت الأحزان» دورتر از خانه های مردم در قبرستان بقیع ساخت.

فاطمه (س) هر روز صبح حسن و حسین (ع) را در پیش روی خود به سوی بقیع روانه می کرد و گریان به بیت الأحزان می رفت. وقتی که شب فرا می رسید، حضرت علی (ع) نزد او می آمد و همراه آن حضرت به خانه مراجعت می کرد.<sup>۴۷</sup>

امام صادق (ع) می فرماید: «هر روز از مدینه خارج می شد و کنار قبرهای شهیدان مشغول گریه بود».<sup>۴۸</sup>

وقتی زنان مدینه به عیادت حضرت فاطمه (س) آمدند و از احوال آن حضرت پرسیدند، حضرت فاطمه (س) پس از حمد خداوند و درود بر پدرش فرمود: «حالم چنین است که به خدا سوگند از دنیای شما بیزار و بر مردانتان خشمناکم».<sup>۴۹</sup>

در صحیح بخاری آمده، که وقتی حضرت زهرا (س) فدک را مطالبه کرد، ابوبکر خودداری کرد و چیزی را از فدک به او نداد. آن حضرت از ابوبکر ناراحت شد. پس از او کناره گیری کرد و با او سخنی نگفت تا از دنیا رفت.<sup>۵۰</sup>

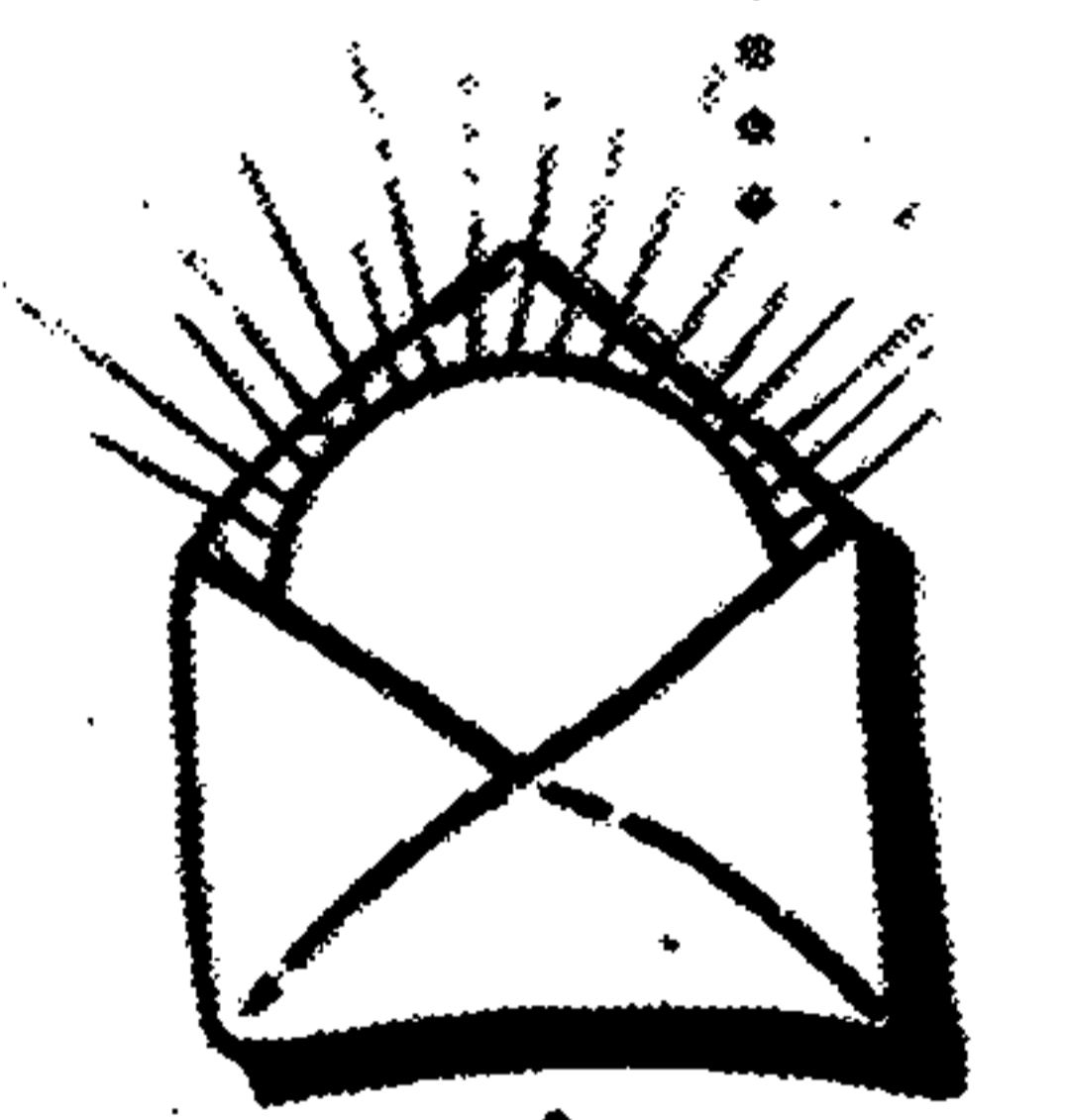
ب) دوری حضرت مهدی (عج):

حضرت مهدی (عج) از هنگام ولادت، از مردم و به ویژه ستمگران، مخفی بود. در آغاز ولادت، بعضی به صورت محدود می توانستند خدمت آن حضرت برسند. این محدودیت، در زمان غیبت صغری بیش تر شد و در زمان غیبت کبری به اوج خود رسید و از مردم دوری می فرمود.

امام باقر (ع) می فرماید:

«إذا غضب الله تبارک و تعالی علی خلقه، نحانا عن جوارهم».

هنگامی که خدای تبارک و تعالی بر مردمان خشمگین شود، ما را از مجاورت آنان دور می سازد.<sup>۵۱</sup>



در روایات دیگر داریم، ولادت و رشد او مخفی است<sup>۵۲</sup>؛ پنهانی است، که انتظار می‌کشد.<sup>۵۳</sup> مردم امام خود را نمی‌بینند، او در موسم حج حاضر می‌شود و مردم را می‌بیند، اما مردم او را نمی‌بینند.<sup>۵۴</sup>

خود حضرت مهدی (عج) در توفیق شریف به شیخ مفید می‌فرماید:

اگر چه مادر مکان دور دستی زندگی می‌کنیم، مکانی که از خانه‌های ستمگران به دور است، به جهت مصلحتی که خداوند برای ما و شیعیان مادیده در این دوری، اما ما از خبرهای شما آگاه هستیم<sup>۵۵</sup>....

حضرت به علی بن ابراهیم بن مهزیار فرمود:

پدرم امام عسکری (ع) با من پیمان بسته که در کنار گروهی که مورد غضب و نفرین خداوند قرار گرفتند، زندگی نکنم و به من دستور داده که تنهادر کوه‌هایی که عبور از آن دشوار است و زمین‌های ویران، مسکن گزینم<sup>۵۶</sup>....

## ۲۸. آزادی از تعلقات دنیایی

دختر اشرف مخلوقات عالم، همسر برترین مردمان و سرور زنان دو عالم، در نهایت زهد و دوری از دنیا و حتی ابتدایی‌ترین نیازهای یک زندگی ساده و عادی می‌زیست. در زیارت آن حضرت می‌خوانیم: «حلیفة الوریع و الزهد»<sup>۵۷</sup>؛ بریده از دنیا و فانی در ذات احدیت بود.»

حسن بصری می‌گوید: «لم یکن فی الأمة أزهد و لا أعبد من فاطمة؛ در امت پیامبر (ص) زاهدتر و عابدتر از زهرا (س) نبود.»<sup>۵۸</sup>

حضرت مهدی (عج) نیز با اقتدا به مقتدای خویش، در نهایت زهد و سادگی زندگی می‌کند. حضرت صادق (ع) می‌فرماید:

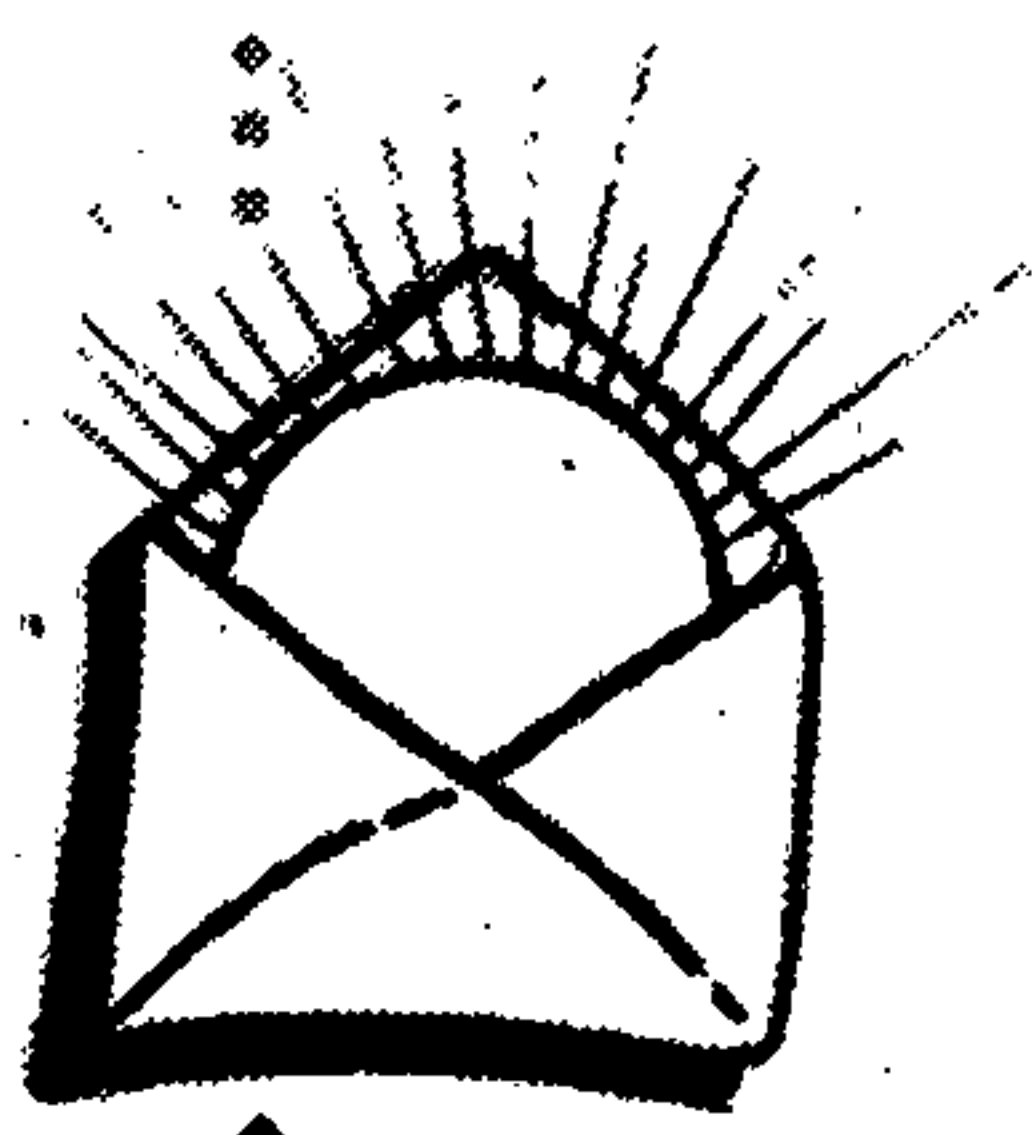
فوالله! ما لباسه الا الغلیظ و لا طعامه الا الجشب.<sup>۵۹</sup>

به خدا سوگند! لباس مهدی (عج) جز پوشاکی درشت و خوراک او جز غذایی سخت نیست.

## ۲۹. بندگی خداوند

حضرت زهرا (س) به حدی خالصانه خداوند را عبادت می‌کرد که خداوند با او بر ملائکه مباحثات می‌کرد و می‌فرمود:

بنگرید به بهترین بنده من فاطمه! او در مقابل من ایستاده و از خوف من تمامی وجودش می‌لرزد و با تمامی حضور قلب، به عبادت من روی آورده است.<sup>۶۰</sup>



امام حسن (ع) می فرماید:

مادرم، در شب های جمعه، در محراب به عبادت می ایستاد و مدام رکوع و سجده می کرد تا صبح طلوع می کرد.<sup>۶۱</sup>

حضرت، به قدری عبادت می کرد که قدم هایش ورم کرد.<sup>۶۲</sup>

حضرت مهدی (عج) هم به قدری عبادت خداوند را می کند که رنگ رخسار مبارکش متمایل به زرد است.

امام کاظم (ع) می فرماید: «مهدی، بر اثر تهجد و شب زنده داری، رنگش به زردی متمایل می شود».<sup>۶۳</sup>

### ۳۰. مبارزه با انحراف ها و بدعت ها

زهرا (س) فدای رسالت و ولایت شد تا دین بماند، بدعت ها و انحرافات از بین برود و تلاش های پدرش به ثمر برسد. درباره مبارزات آن بزرگوار با انحرافات، سخن فراوان است. خطبه فدکیه و خطبه های دیگر آن بانوی پهلو شکسته و مصیبت دیده، گویای مبارزه حضرت است.<sup>۶۴</sup>

حضرت مهدی (عج) هم با بدعت ها و انحرافات مبارزه می کند و فرایض الهی و سنن نبوی را احیا خواهد کرد.

امام صادق (ع) می فرماید: «بدعتی نمی ماند جز آن که از بین می برد و سنتی نمی ماند جز آن که بر پامی دارد».<sup>۶۵</sup>

حضرت علی (ع) می فرماید: «هر چه از کتاب و سنت، متروک مانده، زنده خواهد کرد».<sup>۶۶</sup>

در دعای شریف ندبه می خوانیم:

أین المؤمن لآحیاء الکتاب و حدوده؟ أین محیی معالم الدین و أهله؟ أین المدخر لتجدید الفرائض و السنن؟<sup>۶۷</sup>

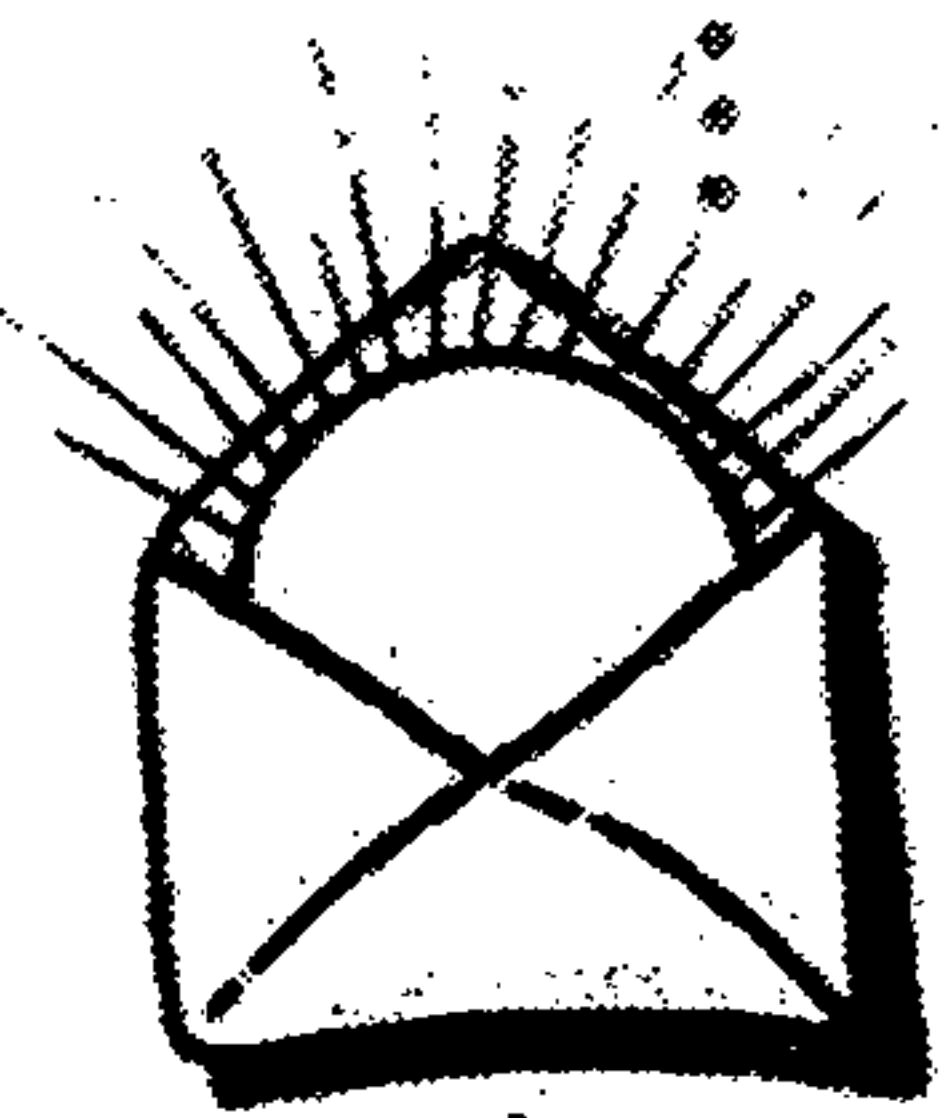
کجا است آرزو کشیده برای زنده کردن قرآن و حدودش؟ کجا است زنده کننده آثار دین و اهل دین؟ کجا است آن ذخیره الهی برای تجدید واجبات و سنت های اسلام؟

### ۳۱. غم خواری و توجه به امور مسلمانان، به ویژه شیعیان

یکی از علت هایی که فاطمه (س) را به میدان آورد و آن همه مصایب و آزارها را تحمل کرد، هم و غم آن حضرت نسبت به امت پدرش و شیعیان شوهرش و مصایبی که دامن گیرشان خواهد شد بود.

حضرت، همراه اشک ها و ناله هایش، در فراق محبوبش به پدر بزرگوارش عرضه می دارد:

یا أبتاه! من للأرامل و المساکین؟ و من للأمة الی یوم الدین؟<sup>۶۸</sup>



پدر جان! پس از تو، چه کسی به فریاد یتیمان و مساکین خواهد رسید؟ پدر جان! برای امت، چه کسی پس از تو، تاقیامت خواهد بود؟

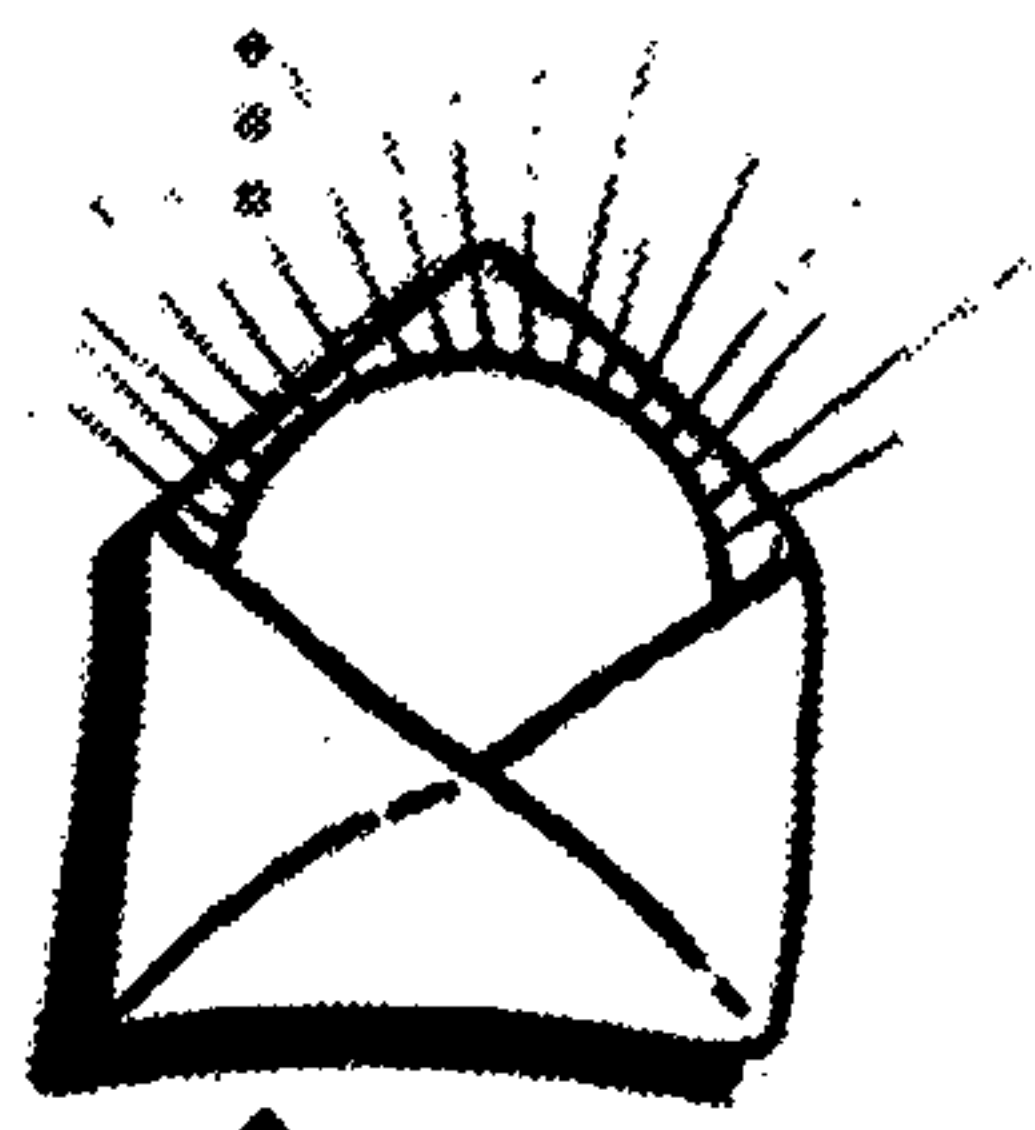
حضرت، تا بدان جا نسبت به امور امت پدرش اهتمام می‌ورزد که شب تا صبح را پیوسته در رکوع و سجود و قیام و دعا می‌گذراند و همواره، مؤمنان را دعا می‌کند و از برای خود دعایی نمی‌کند. وقتی فرزند دل‌بندش حسن (ع) علت را جویا می‌شود؟، می‌فرماید: «الجار ثم الدار»<sup>۶۹</sup>. حضرت مهدی (عج) نیز غم‌خوار همگان، به ویژه شیعیان است و برای آنان دعا می‌کنند. توقیعات و ملاقات‌های فراوان، بر این مطلب دلالت می‌کند. حضرت، در توقیعی می‌فرماید:

... به من رسیده است که گروهی از شما، در دین، به تردید افتاده‌اید و در دل، نسبت به اولیای امر خود، دچار شک و حیرت شده‌اید! این، مایه غم و اندوه ماست. به خاطر شما و نه به خاطر خودمان و درباره شما ناراحت شدم نه درباره خودمان... ما بر احوال شما آگاهیم و اوضاع شما بر ما پوشیده نیست. مادر رسیدگی و توجه به شما، کوتاهی نکرده‌ایم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم. اگر جز این بود، مشکلات و گرفتاری‌ها بر شماروی می‌آورد و دشمنان شمارا نابود می‌کردند.<sup>۷۰</sup>

### ۳۲. ایثار و انفاق

از خود گذشتگی و انفاق حضرت زهرا (س) مطالب بسیاری دارد و بحث مستقلی را می‌طلبد. گذرا، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. هر کس از هر کجا ناامید می‌شد، به در خانه زهرا می‌آمد و با حاجتی روا شده برمی‌گشت. مکرراً، این اتفاق می‌افتاد که پیامبر (ص) محرومان را در خانه او می‌فرستادند. حضرت پیراهن شب عروسی و گردن‌بند خویش را به نیازمندان بخشید. او حتی طعام و قرص نان و دست‌بند و گوشواره و حتی پرده و فرش منزل خویش را به سائل داد. بخشندگی وی بدان مرحله می‌رسد که در کتاب خداوند ثبت می‌شود: ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَ

● زهرا (س) فدای رسالت و ولایت شد تا دین بماند، بدعت‌ها و انحرافات از بین برود و تلاش‌های پدرش به ثمر برسد. درباره مبارزات آن بزرگوار با انحرافات، سخن فراوان است. خطبه فدکیه و خطبه‌های دیگر آن بانوی پهلو شکسته و مصیبت دیده، گویای مبارزه حضرت است. حضرت مهدی (عج) هم با بدعت‌ها و انحرافات مبارزه می‌کند و فرایض الهی و سنن نبوی را احیا خواهد کرد.



حضرت مهدی (عج) فرزند مادری این چنین است. از این رو، پناه محرومان و درماندگان است. امام باقر (ع) فرمود: «مهدی، بخشنده‌ای است که مال را به وفور می‌بخشد و بر بینوایان بسیار رئوف و مهربان است». ۷۲

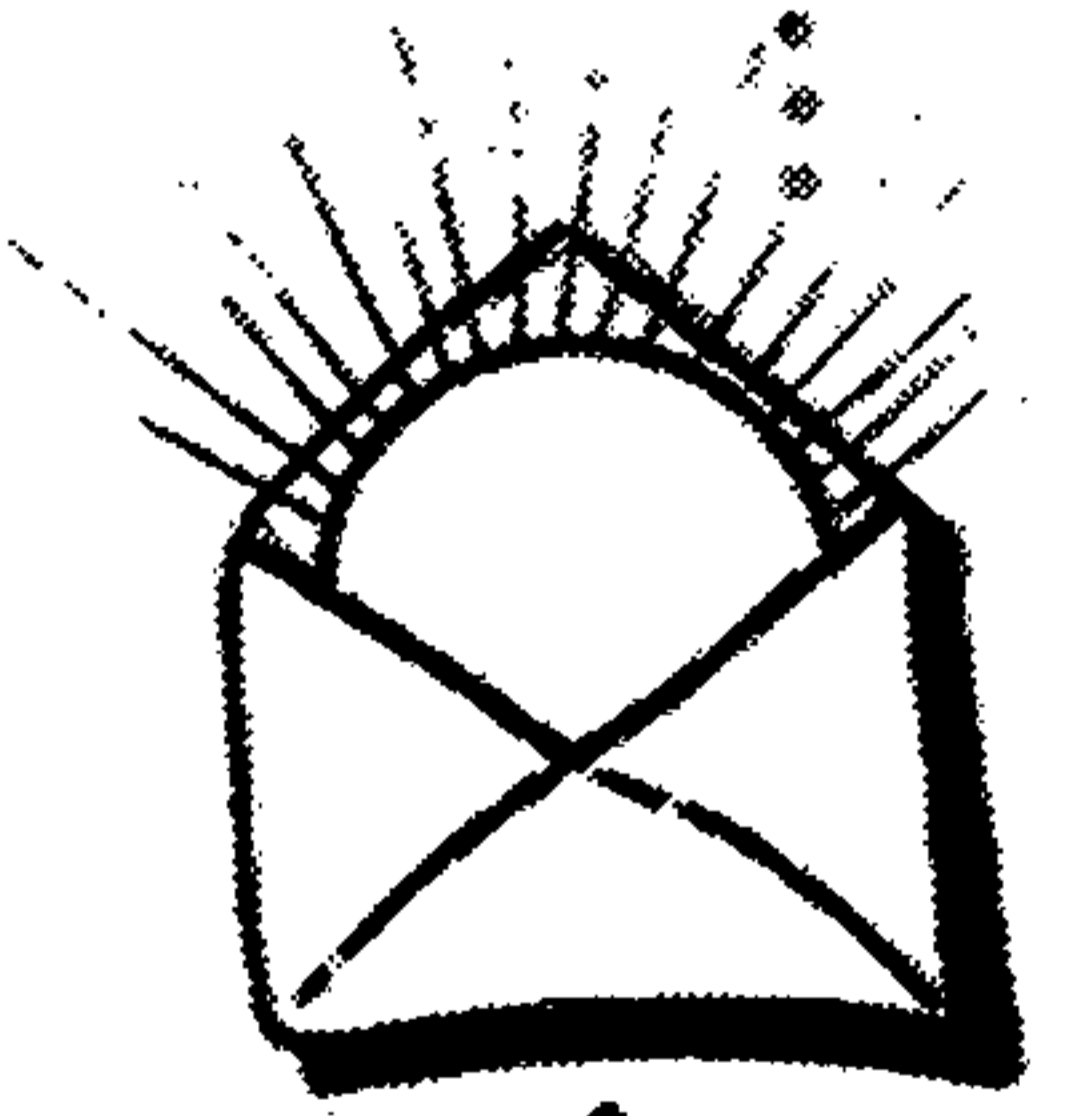
### ۳۳. قلاش

حضرت زهرا (س) از همان اوان کودکی، در راه دین مجاهده می‌کرد. هر زمان پیامبر را خطری تهدید و مصیبتی آزار می‌داد، زهرا (س) به میدان می‌آمد. پیامبر را از توطئه قتلش آگاه کرد. ۷۳ خاکستر از روی پدر سترد. در جنگ احد، آن گاه که دندان مبارک پیامبر (ص) شکست و پیشانی‌اش مجروح شد و سر و صورت حضرت، غرقه در خون گشت، او به مداوای پیامبر مشغول شد.

حضرت، در راه ولایت آن قدر تلاش و مجاهدت کرد تا در این مسیر، جان عزیزش را فدا کرد. او شب‌ها به همراه علی (ع)، دست حسنین را می‌گرفت و به خانه مهاجران و انصار می‌رفت و آنان را به یاد بیعتشان در عقبه و غدیر می‌انداخت و فضایل علی را یادآورشان می‌شد. با این هدف والا که امام زمان‌شان را به آنان بشناساند و آنان را از مرگ جاهلیت برهاند و یاورانی برای امام زمان خویش فراهم کند.

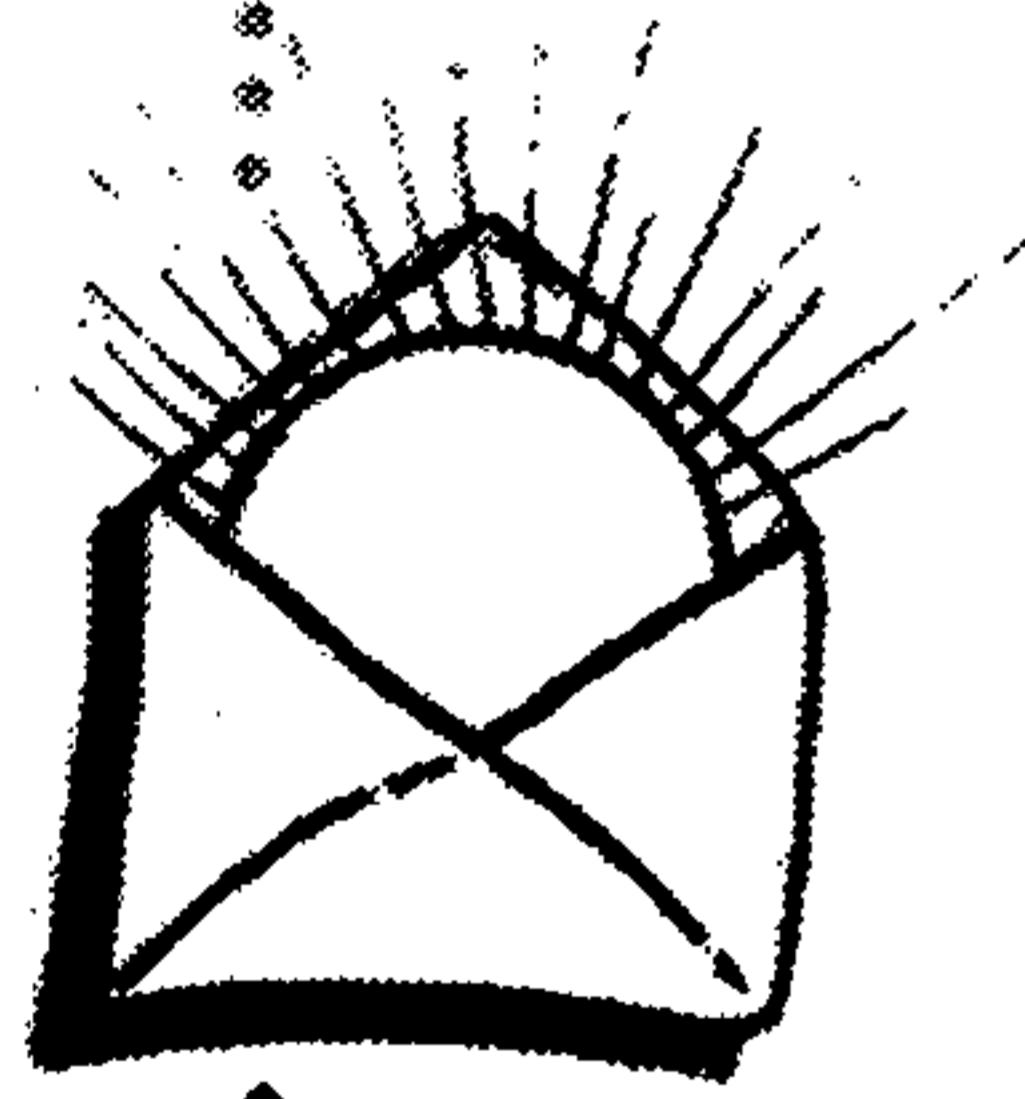
حضرت مهدی (عج) نیز برای تحقق آرمان‌های والای پیامبر و در ادامه مسیر حرکت زهرا (س) همواره مشغول مجاهدت و سازندگی است.

امام رضا (ع) می‌فرماید: «او، شتابنده به سوی نیکی‌ها و بزرگواری‌ها و تلاش‌گری سخت کوش است». ۷۴



## پی نوشت ها

۱. بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۴۴؛ فاطمة الزهراء (س) بهجة قلب المصطفى (ص)، ص ۱۷۷.
۲. زمزم / ۶۹. (زمین در آن روز) به نور پروردگارش روشن می شود).
۳. تفسیر نورالثقلین، ذیل آیه، ح ۱۲۱. (محدث نوری (ره) چند روایت از تفسیر علی بن ابراهیم و ارشاد مفید و غیبت طوسی و کمال الدین صدوق و کفایة الاثر شیخ خراز و غیبت فضل بن شاذان نقل می کند و می گوید به قرینه حدیث اول، معلوم می شود مراد، نور ظاهری است و گر نه ممکن است گفته شود مراد نور معنوی است که نور علم و حکمت و عدل باشد؛ نجم الثاقب جمکران، خصلت بیست و نهم، ص ۱۶۸).
۴. البته ممکن است این روایت، یک تفسیر باطنی هم داشته باشد که تمام ظلمت ها می رود حتی ظلمت های نورانی یا پیشرفت های علمی می شود که به نور خورشید و ماه نیاز نباشد. (باید تأمل کرد).
۵. شیخ طوسی، الغیبة، ح ۴۸۴، ص ۴۶۷؛ المحجة فیما نزل فی القائم (عج)، ذیل آیه، ص ۷۴۸؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ذیل آیه، ح ۱۲۲.
۶. همان، موسسه معارف اسلامی، ح ۴۸۷، ص ۴۷۰؛ کشف الغمة ج ۳، ص ۲۶۳؛ عزیز آل یاسین (ع)، ص ۴۸ (به نقل از مهدی منتظر در نهج البلاغه، ص ۱۱۴).
۷. نعمانی، الغیبة، عربی، ص ۱۵۱، و نشر صدوق، ص ۳۲۳.
۸. منتخب الاثر، باب، أنه ابن سید الاماء، (به نقل از کفایة الاثر و کمال الدین).
۹. همان، باب أنه ابن سید الاماء، (به نقل از کمال الدین) ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی (عج)، ج ۳، ح ۶۹۱، ص ۱۶۵.
۱۰. امالی صدوق، مجلس ۸۷، ح ۱/۹۴۷. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۵. فاطمة الزهراء (س) بهجة قلب المصطفى (ص)، ص ۱۲۹ به نقل از عامه و خاصه.
۱۱. کمال الدین، ب ۴۲، ح ۲؛ نجم الثاقب، ط جمکران،
- باب اول، ص ۳۹؛ اثبات الوصیه، ص ۲۴۹؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ذیل سوره قدر، ح ۱۹، ص ۶۱۶.
۱۲. ر.ک: به بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۶۲، ۶۴ و ۲۲۵ و ج ۸، ص ۵۳.
۱۳. فاطمة الزهراء (س) بهجة قلب المصطفى (ص)، ص ۷۴۳ (به نقل از کنز الفوائد، ح ۱، ص ۱۵۰).
۱۴. مقتل خوارزمی، چاپ انوار الهدی، ج ۱، ح ۲۵، ص ۱۰۱.
۱۵. فاطمه الزهراء (س) بهجة قلب المصطفى (ص)، ص ۱۰ (به نقل از کشف الغمة، ج ۱، ص ۵۰۶).
۱۶. مناقب ابن شهر آشوب، چاپ دارالاضواء، ج ۱، ص ۳۵۵.
۱۷. سید بن طاووس، اقبال، عمل روز بیستم جمادی الاخر؛ در مفاتیح الجنان: «السلام علیک ایتها المظلومة المغصوبة».
۱۸. همان، عمل روز بیستم جمادی الاخر؛ مفاتیح الجنان، زیارت دوم حضرت زهرا (س).
۱۹. شیخ طوسی، امالی، ص ۱۵۶، ضمن ح ۲۵۸.
۲۰. معجم احادیث الامام المهدی (عج)، ج ۳، ح ۵۹۵، ص ۴۳.
۲۱. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۰۸ (به نقل از ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۳۱).
۲۲. کمال الدین، باب ۳۴.
۲۳. معجم احادیث الامام المهدی (عج)، ج ۳، ح ۷۵۲، ص ۲۲۹.
۲۴. همان، ج ۳، ح ۸۳۳، ص ۲۹۷، و ح ۱۰۷۲، ص ۵۰۰.
۲۵. همان، ج ۴، ح ۱۰۹۸، ص ۲۰؛ و کمال الدین، باب ۵۸، ح ۲۵.
۲۶. عنایات حضرت مهدی (عج) به علما و طلاب، ص ۱۷۶، (پاورقی).
۲۷. همان (به نقل از: شیفتگان حضرت مهدی (عج)، ج ۳، ص ۱۶۰).



۲۸. فاطمة الزهراء (س) بهجة قلب المصطفى (ص)، ص ۱۹۸، (به نقل از بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۹۱).
۲۹. همان، ج ۶، ص ۱۰۹ (به نقل از احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۱۸۵) و ر.ک: بحار الانوار، ج ۳۶، ح ۱۱۰، ص ۲۸۸.
۳۰. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت فاطمه زهرا (س)، مقتل خوارزمی، ج ۱، ح ۲۱، ص ۹۹.
۳۱. چهل حدیث پیرامون نور یزدان، ص ۱۴ (به نقل از: کفایة الأثر، ص ۱۵۹).
۳۲. نغمه های فاطمیه (س)، ص ۲۴.
۳۳. با دعای ندبه در پگاه جمعه، ص ۱۶ (به نقل از عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۴۷؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۸).
۳۴. مفاتیح الجنان، دعای عهد.
۳۵. مکیال المکارم (فارسی) ج ۲، ص ۲۱۸ و (عربی) ج ۲، ص ۱۶۰ (به نقل از کتاب غایة المرام، سید محدث بحرانی (ره) ص ۱۸۹ باب ۲۳ ح ۱۰۵؛ به نقل از غیبت نعمانی، نشر صدوق، ح ۲۴، ص ۱۳۳).
۳۶. کامل الزیارات، پیام حق، ۱۳۷۷، باب ۴۰، ح ۴، ص ۳۸۶.
۳۷. همان، پیام حق، ۱۳۷۷، باب ۴۰، ح ۴، ص ۳۸۶؛ مفاتیح الجنان، فصل هفتم، مقصد اول (به نقل از ابن قولویه و کلینی و سید بن طاووس و دیگران).
۳۸. بحار الانوار، ج ۴۵، ح ۱۲، ص ۴۰۱؛ النجم الثاقب، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰، چاپ چهارم، ص ۴۹۵.
۳۹. النجم الثاقب، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰، چاپ چهارم، ص ۴۸۹؛ مفاتیح الجنان، تشرف حاج علی بغدادی.
۴۰. ر.ک: خلاصة العبقري الحسان، ص ۳۴؛ العبقري الحسان، ج ۲، ص ۸۰.
۴۱. در مجله انتظار، شماره ۷ گفتیم، به بیست و پنج مورد از شباهت های این دو بزرگوار اشاره می کنیم، ولی به موارد دیگری برخورد کردیم. مواردی هم برادر ارجمند آقای لطیف زاده تحقیق کردند، از این روی برخی از آن ها را ذکر می کنیم.
۴۲. ر.ک: صحیح بخاری، دارالکتب العلمیة، ج ۳، باب ۴۰، باب غزوة خیبر، ح ۴۲۴۰ و ۴۲۴۱، ص ۸۰.
۴۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۲۶، ح ۱۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.
۴۴. همان، ج ۲، باب ۴۵، توفیق ۴.
۴۵. نور: ۵۵.
۴۶. روزگار رهایی، ج ۲ ص ۶۰۷.
۴۷. ر.ک: چشمه در بستر، ص ۲۵۵؛ فرهنگ فاطمیه، ص ۱۴۰ (به نقل از بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۷).
۴۸. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۵.
۴۹. ر.ک: چشمه در بستر، ص ۴۳۴، و بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۸؛ عوالم العلوم، ج ۱۱، قسمت دوم، ص ۸۱۴؛ أعلام النساء، ج ۴، ص ۱۲۸.
۵۰. صحیح بخاری، دارالکتب العلمیة، باب غزوة خیبر، ح ۴۲۴۰ و ۴۲۴۱، ص ۸۰.
۵۱. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۹۱، (به نقل از کافی، ج ۱، باب فی الغیبة، ح ۳۱ و به نقل از بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۰).
۵۲. کافی، ج ۱، باب فی الغیبة، ح ۲۵.
۵۳. همان، ح ۱۳ و ۳۰.
۵۴. همان، ح ۱۲؛ الغیبة نعمانی، ح ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶، ص ۲۵۱.
۵۵. احتجاج، دارالاسوه، ج ۲، ص ۵۹۷.
۵۶. طوسی، الغیبة، معارف اسلامی، ص ۲۶۶.
۵۷. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت زهرا.
۵۸. خوارزمی، مناقب، ج ۳، ص ۱۴۱.
۵۹. الغیبة، نعمانی، ص ۲۲۲؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۵۴.
۶۰. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۲.
۶۱. همان، ص ۸۱ و ۸۲.
۶۲. همان، ج ۴۳، صص ۷۶ و ۸۴.
۶۳. همان، ج ۸۶، ص ۸۱.
۶۴. ر.ک: چشمه در بستر، صص ۳۵۵ و ۴۳۴.
۶۵. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۶۲؛ الزام الناصب، ص ۲۲۳.
۶۶. نهج البلاغة، فیض الاسلام، خطبه ۱۳۸.
۶۷. مفاتیح الجنان، دعای شریف ندبه.
۶۸. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۶.
۶۹. همان، ج ۴۳، ص ۸۱.
۷۰. احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷؛ ر.ک: امام زمان (عج) و سید بن طاووس، ص ۱۷۵، دعای حضرت مهدی (عج) برای شیعیان.
۷۱. دهر: ۲۱.
۷۲. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۵۹۸.
۷۳. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۶۰.
۷۴. جمال الاسبوع، ص ۳۱۰؛ صحیفة مهدویة، ص ۲۹۰.

